



مشخصات افراد صبور از دیدگاه قرآن / نسبت صبر و عقل از دید پیامبر(ص) در گفتگو با شمعون راهب

صبر در آیات و روایات اسلام از چنان جایگاهی برخوردار است که آن را در کنار عقل توصیف کرده اند، به گونه ای که پیامبر(ص) صبر را اولین ثمره عقل خوانده و قرآن، بر ارزشمندی صبر به واسطه کسب رضای الهی تأکید داشته و آن را یکی از ویژگی های صاحبان عقل برمی شمارد.

صبر در آیات و روایات اسلام از چنان جایگاهی برخوردار است که آن را در کنار عقل توصیف کرده اند، به گونه ای که پیامبر(ص) صبر را اولین ثمره عقل خوانده و قرآن، بر ارزشمندی صبر به واسطه کسب رضای الهی تأکید داشته و آن را یکی از ویژگی های صاحبان عقل برمی شمارد.

واژه صبر و مشتقات آن 103 بار در قرآن به کار رفته که نشان از اهمیت ویژه این حرکت اخلاقی از دیدگاه دین مبین اسلام و قرآن کریم دارد. در باب ارزش والای صبر همین بس که قرآن در آیات متعددی با عبارت «اللّه مع الصّابرين»، «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الصّابِرِينَ» و عبارات دیگر به آنان مژده می‌دهد که خداوند با صابران همراه است و آنان را بسیار دوست دارد، و در بیان علت رسیدن بعضی از بنی اسرائیل به مقام امامت و هدایت مردم می فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوْقِنُونَ» و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند؛ چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند.»

خداوند در موارد مختلف به پاداش صابران پرداخته است از جمله این آیه که می فرماید: «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا...» و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر بهشتی را به آنها پاداش می‌دهد!...

این آیه و آیات بعد که در وصف صبر بر گرسنگی و اینثار طعام امام علی(ع) و خانواده ایشان نازل شده است، به پاداش آن اشاره نموده و نعمتهای بهشتی را که به خاطر صبر به آن بزرگوارن داده شده، بیان می‌کند، و این خود بیان‌گر نشانه ای بر پاداش عظیم و منزلت صابران در درگاه خداوند است.

خداوند صبر را از ویژگی صاحبان عقل توصیف می کند/ صبر در صورتی ارزشمند است که برای کسب رضای الهی باشد

به هر حال انسان و محل زندگی او به نحوی آفریده شده که با آفات، کمبودها، موانع و مصیبت‌های فراوانی همراه است و همیشه آفات و مصائبی در اموال، عزیزان، دوستان و... در کمین نعمتهاست که موجب از دست دادن آنها می‌شود؛ از سویی دیگر انسان در معرض حملات شدید تمایلات نفسانی است که همه این موارد ابزار آزمایش انسان توسط خدای متعال به شمار می آیند همانگونه که قرآن می فرماید «وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» یعنی «و شما را با بدیها و خوبیها آزمایش می کنیم و سرانجام بسوی ما بازگردانده می شوید!»

در این میان بر اساس آیات و روایات، تنها کسانی از میان موانع و مشکلات، سلامت به مقصد می رسند که با صبر، به قضای الهی راضی شده و تمایلات نفسانی را حبس نموده، و تسلیم امر خداوند گشتند. مصائب گوناگون آنان را از شکر، اطاعت و عبادت خداوند باز نداشته و با وجود تمام مشکلات، خود را به انجام وظایف الهی وادار سازند. خداوند در قرآن کریم در موارد مختلف به شکلهای گوناگون به این موضوع پرداخته و انسانها را با جایگاه و ارزش صبر آشنا ساخته است؛ همچنین به صابرین همراهی و یاری خود را در مراحل سخت زندگی، وعده داده و نعمت‌های ویژه‌ای عنایت کرده است: «وَبَشِّرِ الصّابِرِينَ... أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْتَخُونَ»

از نظر قرآن، صبر در صورتی ارزشمند است که به قصد تقرب و برای کسب رضای الهی باشد که خداوند صبر را از ویژگی صاحبان عقل توصیف می کند و در این باره چنین می فرماید: «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَاب... وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ... أُولَئِكَ لَهُمْ عَقَبَى الدَّارِ»

بیان پیامبر(ص) در نسبت صبر و عقل در گفتگو با شمعون راهب

همچنین روایات اسلامی بر همراهی صبر و عقل تصریح دارد. به طور نمونه در روایتی «شمعون راهب از پیامبر(ص) پرسید: به من بگو عقل چیست و چگونه است. چه چیز از آن منشعب می شود و چه چیز منشعب نمی شود. اقسام و انواع عقل را برایم توصیف نما؟ رسول خدا(ص) فرمود: «همانا عقل، زانوبندی است بر نادانی و نفس [آماره] مانند پلیدترین جانوران است که اگر پایش بسته نشود، بی‌راهه می‌رود و سرگردان می شود، پس عقل زانوبند نادانی است. براستی، خداوند عقل را آفرید و به او فرمود: رو کن و او رو کرد؛ سپس فرمود: برگرد و او برگشت، آن‌گاه خدای تبارک و تعالی به او فرمود: به عزّت و جلالم سوگند که من آفریده‌ای از تو بزرگ‌تر و فرمان‌بردارتر نیافریدم، به تو آغاز کنم و تو را به درگاه خود برگردانم، معیار پاداش و کیفر تویی، پس، از عقل، بردباری نشأت گرفت و از بردباری، دانش و از دانش، هوشیاری و از هوشیاری، پاکدامنی و از پاکدامنی، خویشندن‌داری و از خویشندن‌داری، حیا و از حیا، وقار و از وقار، پایداری بر کار خوب و از پایداری بر کار خوب، بیزاری از کار بد، و از بیزاری از کار بد، پیروی از اندرزگو، پس این ده دسته از انواع اخلاق نیکو است و هر کدام از این ده دسته، ده نوع دیگر را در بر دارد...»

مراتب صبر

بنابر روایات نقل شده از پیامبر اکرم(ص)، صبر دارای سه مرتبه است؛ اول «صبر بر مکروهات و مصایب»؛ که شکیبایی انسان در

برابر حوادث تلخ و ناگوار مثل خسارات مالی، مرگ عزیزان، بیماری و... از جمله مراتب صبر است که قرآن کریم از آن این گونه یاد کرده است: «وَلْتَبْلُوْا كُمْ بِشْيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ تَقْصِرَ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ». دوم «صبر بر طاعت» است؛ تکالیفی که خدای متعال بر عهده بندگان قرار داده، با دشواری‌هایی همراه است؛ لذا ممکن است انسان به خاطر دشواری در انجام آن کوتاهی کرده و آن را ترک کند؛ از این رو قرآن کریم انسانها را به صبر بر امتثال وظایف دینی توصیه کرده است: «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَ اصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ». سومین مرتبه «صبر در معصیت» است که بالاترین مرحله از صبر است و آن ایستادگی در برابر شعله‌های سرکش شهوات و هیجان‌های برخاسته از هوی و هوس و یا مقامات دنیوی است؛ چراکه بیشتر انسان‌ها در برابر فقر و گرفتاری طغیان نمی‌کنند؛ ولی وقتی خدا مقام، پول و صحت بدن بدهد، آن وقت خیلی سخت است که خودش را سالم نگه دارد و صبر پیشه کند و این نعمت موجب غفلت و معصیت او نگردد. از این قسم به صبر بر نعمت نیز تعبیر می‌کنند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلِّئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسْتَهْ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» یعنی «و اگر بعد از شدت و رنجی که به او رسیده، نعمتهایی به او بچشانیم، می‌گوید: مشکلات از من برطرف شد، و دیگر باز نخواهد گشت! و غرق شادی و غفلت و فخر فروشی می‌شود... مگر آنها که (در سایه ایمان راستین)، صبر و استقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند.» صبر در برابر معصیت‌ها و هوای نفس آنقدر عظیم است که حتی یوسف نبی(ع) نیز خود را از شر آن ایمن ندانسته و به خدا پناهنده می‌شود: «وَمَا أَبْرَىٰ نَفْسِي إِنْ التَّقْسِ لَأُمَارَةً بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي».

صبر در روابط اجتماعی

یکی از اقسام صبر، بردباری در روابط اجتماعی است. انسانها در زندگی خود با افکار و عقاید گوناگونی، موافق یا مخالف برخورد می‌کنند، که به لحاظ اهمیت، انسان را به موضع گیری های متفاوتی وادار می‌کند؛ لذا قرآن کریم به مؤمنان سفارش می‌کند که برای مقابله با عقاید باطل و رفتار خشونت آمیز دشمنان اسلام، صبر پیشه کنند و به بهترین وجه به مقابله با آنها برخیزند: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا دُوْ حَظٍّ عَظِيمٌ» یعنی «بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است! اما جز کسانی که دارای صبر و استقامتند، به این مقام نمی‌رسند، و جز کسانی که بهره‌ی عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند، به آن نایل نمی‌گردند!». از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که می‌فرماید: نصف ایمان صبر و نصف دیگر آن شکر است. به این معنا که انسان در زندگی، یا در آسایش است، که باید در آن حال شکرگزار باشد، یا در حال سختی و گرفتاری است که باید صبور باشد. از سوی دیگر، «صبر بر طاعت»، «صبر در معصیت» و «صبر در مصیبت» تقریباً تمامی رفتارهای دینی را پوشش می‌دهد. کسی که می‌خواهد دیندار خوبی باشد باید از صفت صبر برخوردار باشد.

ارزشمند بودن هدف (ارزشمندی زندگی اخروی)، مشخص بودن هدف (رضایت خداوند)، اشتیاق رسیدن به هدف (دست‌یابی به پاداش‌های دنیوی و اخروی)، ترس از شکست (ترس از عذاب جهنم).... از پایه‌های روان‌شناختی صبر توصیف شده است. در واقع اگر هدف مشخص نباشد، فرد نمی‌داند چرا و به چه دلیلی باید سختی‌ها را تحمل کند، در نتیجه نمی‌تواند صبر کند. از این رو، در قرآن به هدف صبر اشاره شده است: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: 22) از نظر یک مؤمن بالاترین هدف، جلب رضایت پروردگار است. صبر مانند هر رفتار دیگر نیاز به انگیزه دارد. اولین چیزی که ایجاد انگیزه می‌کند هدف است. پیامبران بزرگ الهی که پیش‌قراولان صبر بودند، هدف مشخصی برای صبر خود داشتند. قرآن در مورد پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «وَ اصْبِرْ وَ مَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ لَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ» شکیبایی پیشه کن و این شکیبایی تو جز برای خدا نمی‌تواند باشد.

فرد زمانی می‌تواند صبر کند که سختی‌ها را تحمل نماید، و در راه رسیدن به هدف سخت تلاش کند که آن هدف در نظرش ارزشمند باشد. قرآن هدف صبر را «جلب رضایت خداوند» بیان می‌کند و ارزشمندی این هدف را اینگونه نشان می‌دهد: «مَا عِندَكُمْ يَنْقَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَ لَتَجْزِيَنَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» از آن رو که خداوند متعال خود روان بشر را سرشته و می‌داند که انسان تنها به خاطر «هدف ارزشمند» می‌تواند صبر پیشه کند، در اینجا به فانی داشته‌های انسان و بقای عطایای خود اشاره نموده و ارزشمندی آنها را نشان می‌دهد. در انتهای آیه نیز به ارزشمندی پیامد صبر اشاره دارد. افرادی که صبر ندارند به متاع دنیا توجه دارند، ولی افراد صبور به پاداش‌های اخروی خداوند توجه دارند که ارزشمندی و ماندگاری آنها صبر را برای آنان امکان‌پذیر می‌سازد.

اگر کسی مشتاق رسیدن به چیزی باشد، سختی‌های رسیدن به آن را تحمل خواهد کرد. این اشتیاق لازمه ارزشمندی واقعی هدف نیست. ممکن است هدفی در واقع ارزشمند باشد ولی فرد اشتیاقی به رسیدن آن نداشته باشد؛ در نتیجه، دشواری‌های رسیدن به آن را تحمل نخواهد کرد. حضرت امیرالمؤمنین(ع) یکی از پایه‌های صبر را اشتیاق می‌داند: «فَالصَّبْرُ مِنْ ذَلِكَ عَلَيَّ أَرْبَعُ شُعَبٍ عَلَيَّ الشَّوْقُ ... فَمَنْ أَشْتَاقَ إِلَيَّ الْجَنَّةِ سَلَا عَنْ الشَّهَوَاتِ» در این حدیث، امام علی(ع) به صورت واضح و روشن یکی از پایه‌های روان‌شناختی صبر را شوق و رغبت دانسته است. قرآن کریم مکرراً آثار و پیامدهای دنیوی و اخروی صبر را بیان فرموده است. توجه انسان به این پیامدها شوق و رغبت انسان را برمی‌انگیزد: «إِنَّمَا يُؤَفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ بی‌تردید پاداش شکیباییان بدون حساب و به طور کامل داده می‌شود.

ترس از شکست (ترس از عذاب جهنم) نیز یکی دیگر از پایه‌های روان‌شناختی صبر است؛ از آموزه‌های اسلامی این ایده به دست می‌آید که شوق به تنهایی انسان را به مسیری سوق نمی‌دهد، بلکه ترس نیز لازم است. مثلاً درباره رابطه انسان با خدا

باید تعادل بین خوف و رجا را در نظر داشت. ترس مطلق از خداوند به ناامیدی و رها کردن عمل می‌انجامد و امیدواری مطلق به خداوند بی‌خیالی و رها کردن عمل را در پی دارد. خویشتن‌داری و تحمل مشکلات زمانی به راحتی برای انسان امکان‌پذیر است که نه تنها رسیدن به هدف مزایایی برای انسان در پی داشته باشد، بلکه رسیدن به آن انسان را با مخاطراتی مواجه سازد. حضرت علی(ع) به روشنی هیجان ترس را از پایه‌های روان‌شناختی صبر برشمرده است: «فَالصَّبْرُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الشَّفَاقِ مَنْ أَشَقَّقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ»؛ صبر دارای چهار شعبه است که یکی از آنها ترس است... کسی که از آتش بترسد از محرمات دوری می‌ورزد. در قرآن کریم قریب یکصد مورد کلمه «النار» تکرار شده و خداوند مردم را از عذاب جهنم ترسانده است. این بدان روی است که ترس تأثیر زیادی در وادار کردن مردم به عمل دارد. پیامبران خود را بشیر و نذیر می‌دانستند، زیرا ساختار روانی برخی افراد به گونه‌ای است که علاقه‌مندی به چیزی آنان را به عمل وامی‌دارد و برخی دیگر فقط ترس زیربنای رفتار آنان را شکل می‌دهد. در فرد واحد نیز برخی رفتارها ممکن است به دلیل علاقه و رغبت و برخی دیگر به دلیل ترس انجام گیرد.

اگر انسان سختی‌ها را پله‌ای برای صعود و یا آزمونی برای قبول شدن بداند، در آن صورت، نه تنها مشکلات او را آزرده نمی‌سازد، بلکه شاید با آغوش باز به استقبال آنها برود و به راحتی آنها را تحمل کند. قرآن مکرراً به ما گوشزد کرده که سختی‌ها برای ابتلا و امتحان بندگان است: (وَلِتَبْلُوتَكُمْ بِشْيٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ). برای اینکه مؤمنان در برابر سختی‌ها درمانده نشوند و صبرشان را از دست ندهند، قرآن رنج‌ها را موقتی و پایان‌پذیر می‌داند: (لَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا)؛ همراه با هر سختی گشایشی است. یک گام بالاتر از این، موقت دانستن کل دنیا و جهان است که در این صورت، انسان ایده بزرگ‌تر و جامع‌تر پیدا می‌کند که سختی و آسایش را پایدار نداند. دایمی دانستن راحتی به خاطر ایجاد تنبلی، انسان را از عمل دور نگه می‌دارد و مستمر دانستن رنج‌ها به دلیل درماندگی، توان عمل را از انسان می‌گیرد.

امیرالمؤمنین(ع) یکی از پایه‌های صبر را انتظار می‌داند. انتظار در اینجا به معنای سرآمدن مدت و پایان یافتن مهلت است: «فَالصَّبْرُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى ... التَّرَقُّبِ... مَنْ رَاقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ»؛ کسی که منتظر مرگ است، مدت زمان زندگی خود را در دنیا زودگذر و موقتی می‌داند و به انجام کارهای درست می‌شتابد. حضرت علی(ع) انتظار مرگ را از پایه‌های صبر به شمار آورده است. به فکر مرگ بودن، پایان یافتن فرصت‌ها را نیز گوشزد می‌کند. وقتی فرد متوجه شود که وقتش رو به اتمام است، حاضر می‌شود سخت‌ترین کارها را برای رسیدن به موفقیت انجام دهد. پس می‌توان توجه به کم بودن زمان را نیز از پایه‌های صبر به شمار آورد. آن حضرت در کلام دیگری نیز رابطه صبر و زمان این‌گونه بیان می‌کند: «الصبر علي المضض يؤدي إلي إصابة الفرصة»؛ شکیبایی بر رنج‌ها به درک فرصت‌ها می‌انجامد. پ

برخی ویژگی صابران در مناسبات اجتماعی بر اساس آیات قرآن

صبر یک ویژگی روانی و ثبات درونی است که نتیجه آن مدیریت احساسات و هیجانات، توان تحمل سختی‌ها و سخت کوشی در کارهاست. صبر در زندگی انسان کارکردهای گوناگونی دارد؛ از جمله: انسان را در مقابله با تنیدگی‌ها یاری می‌دهد، موفقیت در تحصیل، شغل و روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند، در برخورد با هیجانات و احساسات درونی توانمندتر می‌سازد و در زمینه دین‌داری انسان را یاری می‌دهد.

فرد صبور از اشتباهات و ظلم دیگران می‌گذرد و اهل گذشت است. آیات پیشین در مورد حق‌خواهی مظلوم بودند، اما قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: (وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ) (شوری: 43)؛ کسی که صبر کند و ببخشد کار بزرگی انجام داده است. فرد صبور هنگام مصیبت‌ها و مشکلات، خداوند را به یاد می‌آورد: (... و بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ).

فرد صبور در موقعیت‌های جهل و خشونت، با حلم و مدارا برخورد می‌کند: (وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ). معنای «ادفع بالتي هي احسن» این است که هنگام مواجه شدن با سیئه، با حسنه برخورد کن. علامه طباطبائی در المیزان می‌فرماید: «ادفع بحلمك جهلهم و بعفوك إساءتهم». افراد صبور در کارها مقاومت بیشتری دارد و هر فرد صبور کار چندین نفر غیر صبور را انجام می‌دهد: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ).

فرد صبور اگر به درستی کاری اطمینان داشته باشد، به گفته‌های بی‌اساس دیگران توجه نمی‌کند: (إِنْ تَمَسَّسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِيبَكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَ إِنْ تُصِيبُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضْرِبُكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنْ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ). صابر در برابر زخم زبان، تهمت و ناسازی افراد جاهل با بردباری برخورد می‌کنند: (وَ اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا) فرد صبور، موقع دزدیده شدن، مفقود شدن یا از بین رفتن اموالش برخورد منطقی دارد: (وَلِتَبْلُوتَكُمْ بِشْيٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ). همچنین در موقع از دست دادن شغل خود، از خود خویشتن‌داری نشان می‌دهد و توکل به خدا می‌کند: (وَلِتَبْلُوتَكُمْ بِشْيٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ).

فردی که صابر است، هنگام از دست دادن عزیزان، بیش از حد بی‌تابی نمی‌کند: (وَلِتَبْلُوتَكُمْ بِشْيٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ). یا هنگام بیماری خویشتن‌داری خود را از دست نمی‌دهد: (وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ). همچنین هنگام فقر و تنگ‌دستی منانیت و خویشتن‌داری خود را حفظ می‌کند و جزع و بی‌تابی نمی‌کند: (وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ

صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ) و در برابر نیازهای فیزیولوژیک، خودکنترلی بیشتری از خود نشان می‌دهد: (لَنْ تَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قَتَائِهَا وَ قَوْمِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا). کسی که اهل صبر است، در موقعیت‌های ترس و خوف خویشتن‌داری از خود نشان می‌دهد: (وَ لَتَبْلُوَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ تَقْصِرِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرَ الصَّابِرِينَ) و در موقعیت‌های تنش‌زا می‌تواند خشم خود را کنترل کند: (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكُظُمِينَ الْعَظِيمِ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ).